

## بررسی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر خطای سود پیش بینی شده در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مسعود عزیزخانی<sup>۱</sup>، علیرضا صفروندی<sup>۲</sup>

**چکیده:** باتوجه به ارتباط مستقیم بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی، این پژوهش به بررسی چگونگی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر قابلیت پیش بینی سود حسابداری با تأکید بر میزان دقت (سطح خطا) سود پیش بینی شده مدیریت می پردازد. با استفاده از داده های شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران، نتایج پژوهش نشان می دهد، در سال های اولیه دوره تصدی حسابرسی، میزان دقت سودهای پیش بینی شده مدیریت افزایش (خطای پیش بینی کمتر) و پس از آن کاهش (خطای پیش بینی افزایش) می یابد. این نتایج با فرضیه "تخصص حسابرسی" که گویای افزایش کیفیت حسابرسی در سال های اولیه دوره تصدی به دلیل افزایش شناخت حسابرسان از صاحبکار و فرضیه "استقلال حسابرسی" که گویای کاهش در کیفیت حسابرسی در سال های بعدی طول دوره تصدی است، مطابقت دارد. نتایج این پژوهش شواهد تجربی درباره ی چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی فراهم می آورد.

واژه های کلیدی: طول دوره تصدی، استقلال حسابرسی، تخصص حسابرسی، خطای سود پیش بینی شده

۱. استادیار دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات اهواز، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۰۲/۲۴

نویسنده مسئول مقاله: مسعود عزیز خانی

E-mail: mazizkhani53@yahoo.com

## مقدمه

سازمان بورس و اوراق بهادار ایران از سال ۱۳۸۵ چرخش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در هر چهار سال برای جلوگیری از ایجاد روابطی که ممکن است باعث خدشه‌دار شدن استقلال حسابرس و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی شود را الزامی کرده است. این پژوهش به بررسی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر سطح خطای سود پیش‌بینی سود هر سهم شرکت‌ها، به‌عنوان شاخص مورد استفاده برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد.

انجمن‌های حرفه‌ای حسابداری و سازمان‌های ناظر حرفه از دیرباز نگران تأثیر طول تصدی بلندمدت حسابرسی یک شرکت توسط یک حسابرس بر کیفیت حسابرسی بوده‌اند (AICPA, 1992). سازمان‌های ناظر بر حرفه به‌دلیل اثرات منفی دوره تصدی بلندمدت بر استقلال حسابرس، از آن به‌عنوان یک تهدید برای کیفیت حسابرسی یاد می‌کنند (GAO 2003). بر این اساس آنها به‌دنبال محدود کردن طول دوره تصدی حسابرسی (در سطح مؤسسه حسابرسی و یا شرکای حسابرسی) بوده‌اند. نگرانی اصلی در این زمینه این است که با افزایش طول دوره تصدی حسابرس، استقلال حسابرس کاهش و در نتیجه، حسابرسی تمایل بیشتری برای کنار آمدن و پذیرفتن شیوه‌های گزارشگری شرکت‌ها خواهند داشت و این به معنای کاهش کیفیت حسابرسی با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی است. در نقطه مقابل، عده‌ای بر این باور هستند که افزایش طول دوره تصدی باعث افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود؛ زیرا حسابرسی برای ارتقای کیفیت حسابرسی نیاز به شناخت کسب‌وکار خاص مشتری بوده، این دانش و شناخت در طول زمان به‌دست می‌آید.

بر این اساس، در کشورهای مختلف رویکردهای مختلفی برای محدود کردن طول دوره تصدی حسابرسی اتخاذ شده است. برای مثال در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته از سیاست چرخش اجباری شرکای حسابرسی انجام‌دهنده کار حسابرسی هر شرکت در هر پنج سال استفاده شده است (آمریکا، استرالیا، کانادا و انگلستان). در نقطه مقابل، برخی کشورها مانند ایتالیا (هر نه سال)، برزیل (سه سال)، سنگاپور (پنج سال)، کره جنوبی (شش سال) و ایران (چهار سال) از سیاست چرخش اجباری مؤسسه حسابرسی استفاده می‌کنند.

پژوهش‌های پیشین شواهدی را درباره‌ی هر دو نظریه فوق مبنی بر افزایش یا کاهش کیفیت حسابرسی با طول دوره تصدی حسابرسی نشان می‌دهد (Lim & Tan 2010). این نتایج مختلط و متضاد ممکن است نشان‌دهنده‌ی وجود یک رابطه غیرخطی بین طول دوره تصدی حسابرسی و کیفیت حسابرسی باشد که در برخی پژوهش‌های اخیر به آن اشاره شده است

(Davis, et al., 2009). وجود یک رابطه غیرخطی می‌تواند نشان‌دهنده‌ی افزایش کیفیت حسابرسی در سال‌های اولیه دوره تصدی حسابرسی به دلیل افزایش دانش خاص حسابرسان از مشتری و کاهش کیفیت حسابرسی در سال‌های بعدی به دلیل کاهش در انگیزه حسابرسان و یا کاهش استقلال حسابرسان باشد.

این پژوهش به بررسی ارتباط طول دوره تصدی حسابرسی و میزان خطای سود پیش‌بینی شده مدیریت، به‌عنوان شاخص مورد استفاده برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. پژوهش‌های پیشین عمدتاً به بررسی ارزیابی بازار (سرمایه‌گذاران) از کیفیت حسابرسی پرداخته‌اند. هولت هاوسن و واتس<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) اعتقاد دارند، بر مبنای نتایج پژوهش‌های مبتنی بر ارتباط بین متغیرهای حسابداری و قیمت بازار سهام به ندرت می‌توان درباره‌ی اینکه آیا استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی واقعاً متغیرهای حسابداری را در فرایند تصمیم‌گیری خود لحاظ می‌کنند، نتیجه‌گیری کرد؛ از این‌رو، همانند پژوهش‌های قبلی (Behn et al. 2008; Clarkson 2001). در این پژوهش، از میزان دقت سود پیش‌بینی شده مدیریت، به‌عنوان معیار ارزیابی کیفیت و قابلیت اتکاء سود حسابداری گزارش شده، برای بررسی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی استفاده می‌شود.<sup>۲</sup> بر اساس ماده شش قانون بازار اوراق بهادار ایران (بخش اول گزارش‌ها و صورت‌های مالی سالانه و میان‌دوره‌ای)، شرکت‌ها موظفند که قبل از شروع سال مالی، سود پیش‌بینی شده هر سهم خود را به بازار اعلام و منتشر کنند. همچنین بر اساس ماده هفت قانون مزبور، این پیش‌بینی باید حسابرسی شده و حسابرسان باید درباره‌ی ارزیابی مبنای مورد استفاده برای پیش‌بینی سود و معقول بودن این مبنای اظهار نظر کنند. بر این اساس می‌توان گفت، حسابرسی نقش مهم و تأثیرگذاری در دقت و قابلیت اتکاء سود پیش‌بینی شده و سود واقعی گزارش شده توسط مدیریت دارد.

کارایی و اثربخشی صورت‌های مالی اساسی به‌عنوان مهم‌ترین منبع اطلاعاتی در دسترس بازار سرمایه، به‌میزان بسیار زیادی تحت تأثیر کیفیت اطلاعات مندرج در آنها است. حسابرسی صورت‌های مالی از طریق انجام ارزیابی بی‌طرفانه از دقت و ارائه منصفانه صورت‌های مالی بر اساس استانداردهای پذیرفته‌شده حسابداری دارای کارکرد اعتباربخشی است. این سطح اعتباردهی حسابرسی به صورت‌های مالی تابع کیفیت حسابرسی است (Behn et al. 2008).

1 . Holthausen & Watts (2001).

۲. در پژوهش بیهن و همکاران (۲۰۰۸) از پیش‌بینی سود تحلیل‌گران مالی و در پژوهش کلارکسون (۲۰۰۰) از سود پیش‌بینی شده مدیریت به‌عنوان معیار ارزیابی کیفیت و سود حسابداری استفاده شده است. در پژوهش حاضر به دلیل عدم وجود تحلیل‌گران مالی در بازار سرمایه ایران، از پیش‌بینی سود مدیریت به‌عنوان معیار ارزیابی کیفیت سود استفاده شده است.

بنابراین می توان گفت، با افزایش کیفیت حسابرسی، قابلیت اطمینان و اتکای اطلاعات مندرج در صورت های مالی شامل سود گزارش شده در صورت سود و زیان، افزایش می یابد. این بدین معنی است که با افزایش کیفیت حسابرسی، توانایی مدیریت برای به کارگیری شیوه های ارائه نادرست ارقام صورت های مالی کاهش می یابد.

با توجه به فقدان پژوهش های قبلی درباره ی چگونگی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی در ایران و نیز اعمال سیاست چرخش اجباری مؤسسه حسابرسی در ایران، نتایج این پژوهش می تواند شواهد تجربی درباره ی ارزیابی سیاست چرخش اجباری حسابرسان فراهم کند. افزون بر این، پژوهش های قبلی در این زمینه بیشتر در کشورهای پیشرفته با بازارهای سرمایه توسعه یافته که مؤسسه های بزرگ بین المللی حسابداری سهم بالایی در حسابرسی شرکت ها را به عهده دارند، انجام گرفته است (آمریکا، کانادا، استرالیا). انجام این پژوهش در بازار سرمایه ایران، به عنوان یک بازار سرمایه نوظهور بدون حضور مؤسسه های بزرگ بین المللی، می تواند شواهدی را درباره ی تفاوت های احتمالی چگونگی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی در بازارهای مالی نوظهور و بازارهای توسعه یافته فراهم آورد.

### ادبیات و فرضیه های پژوهش

پیش بینی سود توسط مدیریت (به صورت اختیاری و یا اجباری) یکی از مکانیزم هایی است که مدیریت از طریق آن اطلاعاتی را درباره ی وضعیت سودآوری آتی شرکت ارائه می کند. ارائه این اطلاعات یکی از ابزارهایی است که از طریق آن مدیران، انتظارات بازار نسبت به سودآوری شرکت، اعتبار شرکت در خصوص شفافیت اطلاعاتی و نیز دقت اطلاعات ارائه شده را مدیریت می کنند (Hirts et al. 2008). نتایج پژوهش های پیشین نشان می دهد، اعلام سود پیش بینی شده مدیریت به بازار بر قیمت سهام و قیمت های پیشنهادی برای خرید و فروش سهام تأثیر می گذارد (Pownall et al. 1993). افزون بر این، انتشار سود پیش بینی شده مدیریت باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت شرکت و سرمایه گذاران می شود. همچنین پژوهش ها نشان داده است که میزان دقت (خطا) سود پیش بینی شده توسط مدیریت عامل مهم و تعیین کننده ای برای تأثیرگذاری آن در بازار سهام است. نتایج پژوهش ها نشان می دهد، فقط چنانچه دقت (خطای) سودهای پیش بینی شده قبلی بالا (کم) باشد، این پیش بینی ها مورد توجه سهامداران و سرمایه گذاران قرار گرفته و در صورت وجود خطا در سودهای پیش بینی شده قبلی، اعلام سود پیش بینی شده مدیریت مورد توجه بازار قرار نخواهد گرفت (Hirst et al. 2008)

اگرچه انگیزه مدیران برای انتشار سود پیش‌بینی شده به بازار (در شرایط افشای اختیاری) کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی میان مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران است، ولی آنها ممکن است در جهت حفظ و تأمین منافع خود و نیز جلوگیری از قیمت‌گذاری نادرست سهام اقدام به انتشار سود پیش‌بینی شده در بازار کنند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد، وجود منافع شخصی مدیران می‌تواند بر رفتار آنها در تعیین سودهای پیش‌بینی شده تأثیرگذار باشد (Hirst et al. 2008). مدیران با درجه بالاتر منافع وابسته به سهام شرکت، تمایل بیشتری برای استفاده از مکانیزم انتشار سود پیش‌بینی شده سهام در جهت جلوگیری از قیمت‌گذاری نادرست سهام دارند (Nagar et al. 2003). اگرچه یک برداشت از این موضوع این است که مدیرانی که منافع آنها به قیمت سهام شرکت مرتبط است (مانند طرح‌های پاداش مبتنی بر سهام) همواره اقدام به انتشار پیش‌بینی‌های سودی در جهت افزایش قیمت سهام می‌کنند، ولی نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در برخی شرایط، منافع مدیران ممکن است در جهت انتشار اطلاعاتی (ارائه پیش‌بینی‌هایی) باشد که قیمت سهام را در جهت منفی و به‌منظور کاهش، تحت تأثیر قرار دهد (در شرایط افزایش سرمایه شرکت‌ها) (Aboody & Kaszink 2000). نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد، مدیران دارای انگیزه‌هایی برای مدیریت پیش‌بینی سودهای اعلام‌شده خود به بازار در جهت حفظ و تأمین منافع خود بوده، این منافع مشخص مدیران در شرکت نقش بسیار مهمی در تعیین و اعلام سود پیش‌بینی شده مدیریت به بازار دارد.

چگونگی تأثیرگذاری اطلاعات منتشرشده توسط مدیریت شرکت‌ها درباره‌ی سود پیش‌بینی شده تحت تأثیر کیفیت و قابلیت باور این اطلاعات است. حسابرسی به‌عنوان بخشی از نظام راهبری شرکت، می‌تواند نقش مهمی در اعتباربخشی و حصول اطمینان از کیفیت اطلاعات ارائه‌شده توسط مدیریت به بازار سرمایه داشته باشد. حسابرسی به‌عنوان مکانیزم نظارتی می‌تواند باعث بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری و از جمله سود حسابداری از طریق به حداقل رسانیدن تفاوت بین وقایع اقتصادی گزارش‌شده و شرایط اقتصادی موجود در واحد تجاری که برای استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی غیرقابل مشاهده است، شود. به‌طور مشخص، حسابرسی باکیفیت از طریق کاهش میزان خطای (سهوی و عمدی) موجود در اطلاعات حسابداری باعث افزایش قابلیت اطمینان گزارش‌های مالی می‌شود (Behn et al. 2008). نتایج پژوهش‌ها نشان داده است، حسابرسی با کیفیت بالا، باعث کاهش مدیریت سود (دستکاری عمدی سود توسط مدیریت) شده همچنین باعث کاهش میزان خطای اندازه‌گیری سهوی مدیریت در سنجش سود شود (Behn et al. 2008). یکی از عواملی که از دیرباز به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر کیفیت

حسابرسی مورد توجه پژوهشگران و مجامع حرفه‌ای حسابرسی قرار گرفته است، موضوع چگونگی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی بوده است.

چگونگی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی در ادبیات و پژوهش‌های حسابرسی به میزان زیادی مورد بحث و توجه و با نتایج کاملاً متفاوت در قالب دو نظریه؛ الف) فرضیه "تخصص حسابرس"<sup>۱</sup>؛ و ب) فرضیه "استقلال حسابرس"<sup>۲</sup> ارائه شده است. فرضیه تخصص حسابرس بر این باور است که با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی، کیفیت حسابرسی افزایش می‌یابد. برعکس، فرضیه استقلال معتقد به کاهش کیفیت حسابرسی با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی است.

بر اساس فرضیه "تخصص حسابرس" توانایی حسابرس در کشف ارائه نادرست اقلام در صورت‌های مالی تهیه‌شده توسط مدیریت تحت تأثیر دانش خاص حسابرس از صاحبکار است که این دانش در طی سنوات اولیه حسابرسی و به تدریج برای حسابرس به وجود می‌آید. این فرضیه که براساس عدم تقارن اطلاعاتی که بین حسابرس و صاحبکار در سال‌های اولیه دوره تصدی استوار است، طی زمان و با کسب شناخت حسابرس از محیط واحد تجاری برطرف می‌شود. این فرایند تدریجی شناخت واحد مورد رسیدگی در طی زمان باعث ایجاد یک مزیت رقابتی برای حسابرس در کشف موارد ایراد مندرج در صورت‌های مالی می‌شود. فقدان چنین شناختی برای حسابرس در سال‌های اولیه تصدی حسابرسی صاحبکار ممکن است منجر به تأثیر منفی روی کیفیت حسابرسی شود (Arel et al. 2005). در نتیجه، با گذشت زمان و با افزایش شناخت حسابرسان از محیط واحد تجاری و ریسک‌های مرتبط با آن، آنها به میزان کمتری بر برآوردهای مدیریت اتکا کرده، با استقلال بیشتر از مدیریت صاحبکار، قادر به افزایش کیفیت حسابرسی خواهند بود.

فرضیه استقلال حسابرس براساس دلایل زیر معتقد به کاهش در کیفیت حسابرسی با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی است: ۱) در طی زمان انگیزه حسابرسان به سمت حفظ صاحبکار و کسب سود از محل حسابرسی آن گرایش پیدا می‌کند. موضوع "مزایای خاص صاحبکار"<sup>۳</sup> که فقط در طی زمان برای حسابرس ایجاد می‌شود، ممکن است باعث ایجاد وابستگی مالی حسابرس به صاحبکار شده، این موضوع باعث کاهش استقلال حسابرس شود (Arel et al. 2005)؛ ۲) افزایش طول دوره تصدی حسابرسی ممکن است باعث ایجاد حس "خودباوری شناختی" در حسابرس نسبت به صاحبکار شده و این باعث شود که حسابرسان

---

1. Expertise hypothesis  
2. Independence hypothesis  
3. Client-specific rents

به جای ارزیابی و بررسی موارد ادعا شده توسط مدیریت در صورت‌های مالی به پیش‌بینی نتایج ارزیابی پرداخته، از روش‌های رسیدگی عادی و تکراری ناکارآمد استفاده کنند؛ و ۳) دوره بلندمدت تصدی حسابرسی ممکن است منجر به ایجاد روابط نزدیک دوستانه بین حسابرس و مدیریت صاحبکار شده به نحوی که باعث وابستگی روحی شده و در عمل منجر به تعارض منافع برای حسابرس شده، استقلال حرفه‌ای حسابرس را مخدوش سازد (Arel et al. 2005). تبعات کاهش استقلال حسابرس در دوره تصدی بلندمدت شامل افزایش احتمال کنار آمدن حسابرسان با تمایل مدیریت برای پذیرفتن شیوه‌های خاص گزارشگری آنها و یا احتمال تبانی بین حسابرس و مدیریت است.

نتایج پژوهش‌های انجام‌شده درباره‌ی چگونگی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی شواهدی مختلفی را برای هر دو نظریه فراهم آورده است. برخی پژوهش‌ها که نشان دهنده کاهش کیفیت حسابرسی با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی بوده‌اند شامل: عدم موفقیت حسابرسان در کشف موارد تقلب‌آمیز صورت‌های مالی و عدم صدور گزارش عدم تداوم فعالیت واحد تجاری قبل از ورشکستگی و رابطه مثبت بین طول دوره تصدی حسابرسی و سطح ارقام تعهدی غیرنرمال (Davis et al. 2009) است. مایرس و همکاران (۲۰۰۳) نشان دادند، در شرکت‌های با دوره تصدی حسابرسی بلندمدت، احتمال بیشتری برای مدیریت بیش از واقع سود و انحراف سود وجود دارد.

با وجود این، برخی پژوهش‌ها نشان از افزایش کیفیت حسابرسی با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی می‌دهند. به‌طور مثال، بالاتر بودن قدر مطلق سطح ارقام تعهدی غیرنرمال طی سال‌های اولیه تصدی حسابرسی بالاتر از سال‌های پایانی؛ افزایش قابلیت اتکای ارقام تعهدی با افزایش طول دوره تصدی (نونپال و همکاران ۱۳۸۹) و کیفیت پایین سود در سال‌های اولیه دوره تصدی حسابرسی (Gul et al. 2009). همچنین نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد، بیشتر ناکامی‌های حسابرسان در کشف و یا گزارش موارد ایراد صورت‌های مالی طی سال‌های اولیه تصدی حسابرسی (دوره تصدی کوتاه‌مدت) روی داده است. مطالعات مبتنی بر واکنش بازار نشان از کاهش هزینه بدهی در شرکت‌های با طول دوره تصدی بلندمدت حسابرسی دارد (Mansi et al. 2004).

نتایج متفاوت و متعارض پژوهش‌های قبلی درباره‌ی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی ممکن است ناشی از مشخصه‌های شیوه اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی باشد، که احتمال وجود یک رابطه غیرخطی بین این دو را نادیده گرفته‌اند. داویس و همکاران (۲۰۰۹) با استفاده از داده‌های قبل و بعد از SOX نشان دادند، توانایی شرکت‌ها برای استفاده از ارقام

تعهدی برای پوشش سود پیش‌بینی‌شده تحلیل‌گران مالی طی سال‌های اولیه دوره تصدی حسابرسی کاهش (تأیید فرضیه تخصص حسابرس) و سپس افزایش (فرضیه استقلال حسابرس) می‌یابد و نقطه تغییر نیز در حدود چهارده سال است. بونه و همکاران (۲۰۰۸) نیز وجود یک رابطه غیرخطی بین طول دوره تصدی حسابرسی و نرخ هزینه سرمایه شرکت‌ها را نشان دادند.

نتایج تنها پژوهش چاپ‌شده در ایران که به بررسی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت اطلاعات حسابداری پرداخته، نشان می‌دهد که پایداری ارقام تعهدی برای نمونه‌های با دوره تصدی حسابرسی طولانی‌تر بیشتر از پایداری ارقام تعهدی برای شرکت‌های با دوره تصدی کوتاه‌مدت است (نون‌هال و همکاران ۱۳۸۹).

براساس شواهد موجود درباره‌ی چگونگی رابطه طول دوره تصدی حسابرسی و کیفیت حسابرسی و همچنین دلایل اشاره‌شده در بالا و نتایج پژوهش‌های اخیر درباره‌ی احتمال وجود رابطه غیرخطی بین طول دوره تصدی حسابرسی و کیفیت حسابرسی، این پژوهش یک رابطه غیرخطی بین طول دوره تصدی حسابرسی و دقت پیش‌بینی سود مدیریت را پیش‌بینی می‌کند. وجود چنین رابطه غیرخطی در قالب فرضیه‌های ۱ و ۲ آمده است:

H<sub>1</sub>: در سال‌های اولیه بین طول دوره تصدی حسابرسی و خطای سود پیش‌بینی شده مدیریت رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

H<sub>2</sub>: بعد از یک دوره اولیه، بین طول دوره تصدی حسابرسی و خطای سود پیش‌بینی‌شده مدیریت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

## روش پژوهش

### مدل پژوهش

در این پژوهش برای بررسی رابطه طول دوره تصدی حسابرسی و میزان خطای سود پیش‌بینی‌شده مدیریت، همانند پژوهش‌های قبلی (Clarkson 2000; Behn et al. 2008) از مدل رگرسیون چندمتغیره زیر استفاده می‌شود:

$$ABSDEF_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 AT_{i,t} + \alpha_2 SQAF_{i,t} + \alpha_3 LoS_{i,t} + \alpha_4 HORIZON_{i,t} + \alpha_5 AUDITOR_{i,t} + \alpha_6 LNSIZE_{i,t} + \alpha_7 STDROE_{i,t} + \alpha_8 ROA_{i,t} + \alpha_9 lev_{i,t} + \sum_d YEAR_t \sum_k \alpha_k IND_k + U_{i,t}$$

که در آن:



$absdefe$  = قدر مطلق خطای سود پیش‌بینی شده که از نسبت قدر مطلق تفاوت میزان سود تحقق‌یافته از سود پیش‌بینی به قیمت سهام در اول دوره به‌دست آمده است؛  
 $AT$  = طول دوره تصدی حسابرسی برابر با تعداد سال‌های متوالی حسابرسی یک شرکت توسط یک حسابرس؛

$SQAT$  = مجذور طول دوره تصدی حسابرسی؛

$Loss$  = متغیر مصنوعی برای شناسایی شرکت‌های زیان‌ده طی دوره مالی (۱ چنانچه شرکت برای دوره مالی  $t$  زیان گزارش کرده باشد، وگرنه ۰)؛

$Horizon$  = افق پیش‌بینی برابر با فاصله تعداد روزهای بین اعلام  $EPS$  پیش‌بینی شده و اعلام  $EPS$  واقعی؛

$Auditor$  = متغیر مصنوعی تعیین‌کننده نوع حسابرس (۱ چنانچه حسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد، وگرنه ۰)؛

$LNSIZE$  = اندازه شرکت برابر با لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت در پایان سال مالی؛

$STDROE$  = نوسان در نرخ بازده حقوق صاحبان سهام در (۳) سال مالی قبل که از  $t-3$  انحراف معیار نسبت سود خالص به جمع حقوق صاحبان سهام در سال‌های  $(t-1)$ ،  $(t-2)$  محاسبه شده است؛

$ROA$  = بازده دارایی‌ها که از نسبت سود قبل از بهره بر متوسط جمع دارایی‌ها محاسبه شده است؛

$LEV$  = نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌های پایان دوره؛

$IND$  = متغیر مصنوعی مشخص‌کننده نوع صنعت (تقسیم‌بندی صنایع در بورس اوراق بهادار تهران)؛ و

$Year$  = متغیر مصنوعی مشخص‌کننده سال مالی.

متغیرهای آزمون فرضیه در این پژوهش  $SQAFT$ ،  $AFT$  هستند که ضرایب رگرسیونی معنادار در مدل شماره (۱) شواهد کافی برای تأیید فرضیه‌های این پژوهش را فراهم می‌کند. در مدل شماره (۱) و برای آزمون فرضیه‌ها از متغیرهای کنترلی که نتایج پژوهش‌های پیشین نشان دهنده تأثیرگذاری آنها بر دقت خطای سود پیش‌بینی شده می‌باشد، استفاده شده است. پژوهش‌های قبل نشان می‌دهد، بین اندازه شرکت و دقت پیش‌بینی سود، رابطه مستقیمی وجود دارد (مشایخی و شاهرخی، ۱۳۸۹؛ ملکیان و همکاران، ۱۳۸۹). بدین دلیل از متغیر اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها) استفاده شده، پیش‌بینی می‌شود، بین این متغیر و خطای

پیش‌بینی سود رابطه‌ای منفی وجود داشته باشد. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد، در شرکت‌های زیان‌ده، دقت پیش‌بینی سود کمتر از شرکت‌های سودده است. بر این اساس، از متغیر Loss استفاده شده است. در مدل شماره (۱) از افق دوره پیش‌بینی (Horizon) استفاده شده، انتظار می‌رود هر چه افق دوره پیش‌بینی سود کوتاه‌تر باشد، سود پیش‌بینی شده از دقت بالاتری برخوردار باشد. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد، دقت پیش‌بینی سود در شرکت‌های با نوسان زیاد در سود کمتر است (Behn et al. 2008). بر این اساس از انحراف معیار نرخ بازده حقوق صاحبان سهام استفاده شده است. همچنین نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد، اقلام تعهدی تأثیر زیادی بر عملکرد شرکت دارند؛ بنابراین، برای کنترل سودهای غیرمترقبه از نسبت بازده دارایی‌ها (ROA) استفاده شده، انتظار می‌رود، شرکت‌های با نسبت بازده بالاتر دارایی، از دقت پیش‌بینی سود بالاتری برخوردار باشند. مشایخی و شاهرخی، (۱۳۸۹)؛ ملکیان و همکاران (۱۳۸۹) نشان دادند، شرکت‌های با اهرم مالی بالا تمایل بیشتری برای پوشش سود پیش‌بینی شده تحلیل‌گران مالی دارند؛ از این رو در این پژوهش از متغیر اهرم مالی (LEV) استفاده شده است. نتایج پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ در جهت حفظ موقعیت برتر خود و به‌واسطه داشتن منابع انسانی، تکنولوژی و سرمایه‌گذاری در امر آموزش منابع انسانی قابلیت بیشتری برای ارائه حسابرسی با کیفیت بالاتری دارند (این پژوهش‌ها بیشتر برای تمایز کیفیت بین مؤسسه‌های حسابرسی از متغیر مصنوعی Big N برای تفکیک مؤسسه‌ها به مؤسسه‌های بزرگ بین‌المللی حسابرسی و سایر مؤسسه‌ها استفاده کرده‌اند). در ایران و به‌دلیل عدم حضور مؤسسه‌های بزرگ بین‌المللی و تشابه سازمان حسابرسی با مؤسسه‌های بزرگ بین‌المللی از نظر اندازه، سهم بازار و تنوع مشتریان (رجبی و محمدی خشویی ۱۳۸۷)، و برای لحاظ کردن تأثیر نوع حسابرس از متغیر مصنوعی auditor (کد ۱ برای حسابرسی‌های انجام شده توسط سازمان حسابرسی و ۰ برای دیگر حسابرسان) استفاده شده است. در پایان، برای کنترل تأثیر نوع صنعت و سال مالی بر دقت پیش‌بینی سود شرکت‌ها از متغیرهای مصنوعی نوع صنعت (IND) و سال مالی (Year) در مدل شماره (۱) استفاده شده است.

متغیر وابسته این پژوهش، دقت سود پیش‌بینی شده مدیریت، همانند پژوهش‌های پیشین (Boone, Khurana, & Raman 2,008; Gul, Fung, & Jaggi, 2009) به‌صورت زیر محاسبه شده است:

$$absfe = abs\left(\frac{eps_t - Feps_t}{P_0}\right) \quad \text{مدل (۲)}$$

که در آن؛

$EPS = Epst$  واقعی اعلام شده بر اساس صورت‌های مالی؛

$EPS = Fepst$  پیش‌بینی شده مدیریت (یا آخرین تعدیل صورت‌گرفته-در صورت وجود)؛

$P0 =$  قیمت سهام در ابتدای دوره مالی

### نمونه‌ی آماری و اطلاعات توصیفی نمونه

نمونه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (بجز شرکت‌های فعال در حوزه بانکی و مؤسسه‌های مالی) طی دوره زمانی ۱۳۷۸-۱۳۸۷<sup>۱</sup> که اطلاعات مالی موردنیاز برای برآورد مدل شماره (۱) آنها در دسترس بوده است، می‌باشد. برای تعیین طول دوره تصدی حسابرسی، گزارش‌های حسابرسی شرکت‌ها تا سال ۱۳۷۲ بررسی شده است.<sup>۲</sup> اطلاعات مالی این پژوهش از بانک‌های اطلاعاتی تدبیرپرداز، دنا سهم و سامانه اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار استخراج شده است. نمونه نهایی این پژوهش شامل ۱۶۲۶ شرکت-سال است.

اطلاعات توصیفی نمونه پ در جدول شماره (۱) گزارش شده است. میانگین طول دوره تصدی حسابرسی ۴/۸ سال است که کمی بیشتر از چهار سال دوره چرخش اجباری تعیین شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار است. میانگین (میانگین خطای تعدیل شده سود پیش‌بینی شده هر سهم شرکت‌ها در نمونه ۰/۰۳۲ (۰/۰۱۷) بوده که نشان می‌دهد، میانگین (میانگین تفاوت بین سود هر سهم پیش‌بینی شده مدیریت و سود واقعی هر سهم حدود ۳ (۲) درصد قیمت سهام اول دوره شرکت‌ها بوده است. حسابرس ۴۱٪ از شرکت‌های نمونه، سازمان حسابرسی بوده است. میانگین اهرم مالی در شرکت‌های نمونه پژوهش ۰/۷۶ و حدود ۴٪ از شرکت‌های نمونه، زیان گزارش کرده‌اند. همچنین میانگین افق پیش‌بینی ۱۳۲/۵ (روز) نشان می‌دهد که به‌طور متوسط، شرکت‌ها ۱۳۲ روز قبل از مشخص شدن و اعلام EPS واقعی اقدام به اعلام EPS پیش‌بینی شده به بازار کرده‌اند.

۱. از آنجا که سازمان بورس و اوراق بهادار از ابتدای سال ۱۳۸۶ سیاست چرخش اجباری مؤسسه‌های حسابرسی را الزامی کرده است و در جهت بررسی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بدون لحاظ کردن تغییر اجباری مؤسسه‌های حسابرسی ناشی از اجرای سیاست سازمان بورس، سال ۱۳۸۷ به‌عنوان سال پایانی دوره پژوهش انتخاب شده است.  
 ۲ به‌دلیل در دسترس نبودن صورت‌های مالی شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۷۲، امکان تعیین دقیق طول دوره تصدی حسابرسی برای شرکت‌هایی که حسابرس آنها قبل از سال ۱۳۷۲ انتخاب و این ارتباط تداوم داشته است، مقدور نبوده است.

جدول ۱. اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش

| نوع  | ۱۳۸۱        | ۱۳۸۱    | ۱۳۸۱         | ۱۳۸۱ | ۱۳۸۱ | ۱۳۸۱ | ۱۳۸۱ | ۱۳۸۱ | ۱۳۸۱ | ۱۳۸۱ | قسمت الف: توزیع<br>سالانه نمونه |
|--|-------------|---------|--------------|------|------|------|------|------|------|------|---------------------------------|
| تعداد  | ۱۶۲۶        | ۱۷۷     | ۱۷۸          | ۱۷۱  | ۱۹۳  | ۱۷۹  | ۱۵۹  | ۱۵۱  | ۱۴۴  | ۱۴۶  | ۱۲۸                             |
| قسمت ب: اطلاعات توصیفی نمونه                   |             |         |              |      |      |      |      |      |      |      |                                 |
| متغیر  | میانگین (%) | میانگین | انحراف معیار |      |      |      |      |      |      |      |                                 |
| نسبت خطای سود پیش بینی شده به قیمت سهام (Deft) | ۰/۰۳۲       | ۰/۰۱۷   | ۰/۰۹۵        |      |      |      |      |      |      |      |                                 |
| دوره تصدی - AT (سال)                           | ۴/۸۹        | ۴       | ۳/۰۵۳        |      |      |      |      |      |      |      |                                 |
| بازده دارایی ها (ROA)                          | ۰/۳۷۶       | ۰/۳۳۹   | ۰/۳۱۱        |      |      |      |      |      |      |      |                                 |
| اهرم مالی (LEV)                                | ۰/۷۶۶       | ۰/۸۳۳   | ۰/۱۹۸        |      |      |      |      |      |      |      |                                 |
| افق پیش بینی (Horizon) - روز                   | ۱۳۳/۵       | ۹۱      | ۱۰/۸۸۷       |      |      |      |      |      |      |      |                                 |
| اندازه (Size) - میلیون ریال                    | ۷۸۸۹۹۸/۱۸   | ۳۱۸۰۰۰  | ۶۶۵۷۳۰۶۵     |      |      |      |      |      |      |      |                                 |
| نوسان بازده حقوق صاحبان سهام (stdroe)          | ۰/۰۰۸       | ۰/۰۰۳   | ۰/۰۱۵        |      |      |      |      |      |      |      |                                 |
| نوع حسابرس (Auditor) - درصد                    | ۴۱/۴        | -       | -            |      |      |      |      |      |      |      |                                 |
| زیان (loss) - درصد                             | ۴/۱         | -       | -            |      |      |      |      |      |      |      |                                 |

### یافته های پژوهش

در این پژوهش، مدل شماره (۱) به صورت داده های ترکیبی و با کنترل نمودن اثر ثابت نوع صنعت و سال مالی برآورد شده است. از آنجا که یکی از مسائل مربوط به استفاده از داده های ترکیبی در رگرسیون، مسئله خودهمبستگی زمانی (serial correlation) و ناهمسانی واریانس ها (heteroskedasticity) است، در این پژوهش از روش خطای استاندارد خوشه ای (clustered standard errors) در برآورد مدل استفاده شده است. نتایج برآورد مدل شماره (۱) در جدول شماره شماره (۲) گزارش شده است.<sup>۱</sup>

۱. نتایج ضرایب رگرسیونی برای متغیرهای مصنوعی سال و نوع صنعت به دلیل خلاصه کردن نتایج گزارش نشده است.

جدول ۲. رگرسیون خطای سود پیش‌بینی شده (Aabsfe) و طول دوره تصدی حسابرسی (n=۱۶۲۶)

| متغیر مستقل                           | ضریب   | آماره t  | معناداری |
|---------------------------------------|--------|----------|----------|
| مقدار ثابت                            | -۴/۴۵  | -۸/۲۵    | ۰/۰۰۰    |
| دوره تصدی (AT)                        | -۰/۰۸۷ | -۲/۱۵    | ۰/۰۳۲    |
| مجذور دوره تصدی (SQAT)                | ۰/۰۰۸  | ۲/۵۱     | ۰/۰۰۲    |
| نوع حسابرس (Auditor)                  | -۰/۰۱۵ | -۱/۹۸    | ۰/۰۱۲    |
| بازده داراییها (ROA)                  | -۰/۰۴۸ | -۱/۰۱۵   | ۰/۱۸۵    |
| زیان (Loss)                           | ۰/۱۷۸  | ۱/۰۳۰    | ۰/۱۵۹    |
| افق پیش‌بینی (Horizon)                | ۰/۰۰۱  | ۳/۹۴۲    | ۰/۰۰۰    |
| اندازه (Lnsiz)                        | ۰/۰۹۴  | ۲/۲۷۱    | ۰/۰۰۱    |
| نوسان بازده حقوق صاحبان سهام (Stdroe) | ۵/۰۳۸  | ۲/۰۲۵    | ۰/۰۰۰    |
| اهرم مالی (Lev)                       | ۰/۲۵۳  | ۱/۲۱۰    | ۰/۱۱۵    |
| اثر ثابت نوع صنعت (IND)               |        | لحاظ شده |          |
| اثر ثابت سال مالی (Year)              |        | لحاظ شده |          |
| آماره F                               |        | ۶/۸۳۵    |          |
| Adj,R <sup>2</sup>                    |        | ۰/۱۷۲    |          |

همان‌طور که در جدول گزارش شده است، مدل رگرسیون معنادار و دارای ضریب تعدیل ۱۷/۲٪ است که این میزان با مقادیر گزارش شده در پژوهش‌های پیشین مشابهت داشته، نشان‌دهنده توضیح ۱۷/۲٪ از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل پژوهش است. در این جدول، ضریب متغیر AT منفی و معنادار (در سطح  $p < 0/05$ ) و ضریب رگرسیونی متغیر SQAT مثبت و معنادار در سطح  $p < 0/01$  است. معنادار بودن ضرایب این متغیرها در مدل رگرسیون به معنی فراهم کردن شواهد کافی برای تأیید فرضیه‌های اول و دوم پژوهش است. بدین‌صورت که با اهمیت بودن ضرایب این متغیرها وجود یک رابطه غیرخطی بین طول دوره تصدی حسابرسی و قدر مطلق خطای سود پیش‌بینی شده مدیریت را نشان می‌دهد. این رابطه غیرخطی بدین معنی است که طی سال‌های اولیه دوره تصدی حسابرسی، دقت سودهای پیش‌بینی شده مدیریت افزایش (خطای سود پیش‌بینی شده کاهش) و با طولانی‌تر شده دوره تصدی حسابرسی، میزان دقت (سطح خطا) سود پیش‌بینی شده مدیریت کاهش (افزایش) می‌یابد. محاسبه نقطه بهینه این تابع نشان می‌دهد، تا سال پنجم از تصدی مداوم حسابرسی یک شرکت توسط یک حسابرس میزان خطای پیش‌بینی سود کاهش و از آن به بعد میزان خطا افزایش

۱. برای مثال در پژوهش بیهن و همکاران (۲۰۰۸) مقادیر ضریب تعدیل مدل‌های برآورد شده ۱۵٪ است.

می‌یابد. تأیید فرضیه‌های این پژوهش شواهدی را درباره‌ی وجود یک رابطه غیرخطی بین طول دوره تصدی حسابرسی و کیفیت حسابرسی که ناشی از فرضیه‌های تخصص حسابرس و استقلال حسابرس است، فراهم می‌آورد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های بونه و همکاران (۲۰۰۸) و داویس و همکاران (۲۰۰۹) که وجود یک رابطه غیرخطی بین طول دوره حسابرسی و کیفیت حسابرسی را با استفاده از داده‌های کشور آمریکا نشان دادند، مطابقت دارد. اگرچه این پژوهش‌ها طول دوره بهینه تصدی حسابرسی را ۱۲/۷ سال (Boone et al., 2008) و ۱۳/۸ سال (Davis et al., 2009) برای حسابرسی در آمریکا اعلام کرده‌اند، ولی بر اساس نتایج این پژوهش طول دوره بهینه تصدی حسابرسی در ایران ۵/۵ سال است.

ضرایب متغیرهای کنترلی افق دوره پیش‌بینی (Horizon)، اندازه شرکت (Insize) و انحراف معیار نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (Stdroe) در مدل رگرسیون مثبت و معنادار بوده که با نتایج پژوهش‌های قبلی (مشایخی و شاهرخی، ۱۳۸۹؛ Behn et al., 2008) مطابقت دارند. همچنین ضریب متغیر نوع حسابرس (auditor) منفی و معنادار ( $p < 0/05$ ) است که نشان می‌دهد شرکت‌هایی که حسابرس آنها سازمان حسابرسی است، دارای خطای پیش‌بینی سود کمتری نسبت به سایر شرکت‌ها هستند. بیهن و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهش خود وجود ضریب منفی برای متغیر نوع حسابرس (Big4) را دلیلی بر کیفیت بالای حسابرسی این مؤسسه‌ها تفسیر کردند. بر این اساس می‌توان گفت، کیفیت حسابرسی‌های انجام‌شده توسط سازمان حسابرسی، مشابه با مؤسسه‌های بزرگ بین‌المللی، نسبت به سایر مؤسسه‌های بالاتر است و سودهای گزارش شده توسط صاحبکاران سازمان حسابرسی از کیفیت بالاتری برخوردار است.<sup>۲</sup>

## آزمون‌های تحلیل حساسیت

در این پژوهش برای آزمون پایدار بودن نتایج گزارش شده، آزمون‌های متفاوتی انجام شده که به‌طور خلاصه به آنها اشاره می‌شود. اول اینکه، نمونه پژوهش به دو گروه شرکت‌های سودده و

۱. با توجه به ضریب  $-0/087$  متغیر AT و ضریب  $0/079$  متغیر SQAT و حل این معادله درجه دوم، نقطه تغییر جهت تابع در ۵.۵ سال به‌دست می‌آید.

۲. همچنین نتایج ضرایب رگرسیونی متغیرهای مصنوعی سال نشان می‌دهد، سودهای پیش‌بینی‌شده در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۵ دارای خطای پیش‌بینی کمتر (ضریب رگرسیونی منفی) و سنوات ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ دارای خطای پیش‌بینی بیشتر (ضریب مثبت) نسبت به سال پایه (۱۳۷۸) هستند. افزون بر این، نتایج ضرایب متغیرهای مصنوعی نوع صنعت نیز نشان‌دهنده پراکندگی میان صنایع از جهت میزان خطای سود پیش‌بینی شده است. به‌طور مثال صنایع خودرو و قطعات، فلزات اساسی، کاشی و سرامیک و منسوجات دارای خطای سود بیشتر (نسبت به صنعت املاک و مستغلات به‌عنوان صنعت پایه) و صنایع دارو، شیمیایی، کانی غیرفلزی، محصولات فلزی دارای خطای سود پیش‌بینی کمتری بوده‌اند.

زیان ده تقسیم و مدل شماره (۱) برای آنها به طور جداگانه برآورد شد. نتایج نشان می‌دهد، بین طول دوره تصدی حسابرسی و میزان خطای سود پیش‌بینی شده رابطه غیرخطی همانند نتایج گزارش شده در جدول شماره (۲) وجود دارد (ضریب متغیر AT منفی و ضریب متغیر SQAT مثبت و معنادار بوده، نقطه تغییر جهت رابطه هم در حدود ۵/۱ سال است). دوم اینکه، از آنجا که مدل پژوهش با استفاده از داده‌های ترکیبی (pooled-cross sectional data) برآورد شده، از این رو مدل شماره (۱) به صورت سال به سال برآورد شد تا مشخص شود که نتایج گزارش شده مربوط به یک سال مالی خاص نباشد. نتایج برآورد مدل رگرسیون به صورت سال به سال نشان می‌دهد که ضرایب متغیرها در هر سال از نظر جهت با نتایج گزارش شده در جدول شماره (۲) مشابه هستند.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از اهداف گزارشگری مالی فراهم کردن اطلاعات مفید برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان فعلی و بالقوه جهت تصمیم‌گیری‌های معقول اقتصادی است. حسابرسی مستقل صورت‌های مالی از طریق ارزیابی بی‌طرفانه ادعاهای مطرح‌شده در صورت‌های مالی توسط مدیریت به قابلیت اتکا و اطمینان صورت‌های مالی کمک می‌کند.

از آنجا که قابلیت اتکاء صورت‌های مالی غیرقابل مشاهده است، پژوهش‌های پیشین روش‌های مختلفی را برای سنجش کیفیت حسابرسی به کار گرفته‌اند. در این پژوهش از میزان دقت سود پیش‌بینی شده مدیریت به عنوان معیار سنجش کیفیت حسابرسی استفاده شده است. انتخاب این معیار براساس پیشنهاد پژوهش‌های قبلی بوده که نشان دادند، تنها وقتی که دقت (خطای) سودهای پیش‌بینی شده قبلی بالا (کم) باشد، این پیش‌بینی‌ها مورد توجه سهامداران و سرمایه‌گذاران قرار گرفته، در صورت وجود خطا در سودهای پیش‌بینی شده قبلی، اعلام سود پیش‌بینی شده مدیریت مورد توجه بازار قرار نخواهد گرفت (Hirts et al. 2008).

این پژوهش به بررسی چگونگی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و به تبع تأثیر آن بر کیفیت سود گزارش شده می‌پردازد. همانند پیش‌بینی صورت‌گرفته براساس فرضیه‌های "تخصص حسابرس" و فرضیه "استقلال حسابرس"، نتایج این پژوهش نشان

۱. در تمامی رگرسیون‌های سالانه برآورد شده، ضرایب متغیرهای موردنظر در این پژوهش (طول دوره تصدی حسابرسی) از نظر جهت با نتایج گزارش شده در جدول شماره (۳) همخوانی داشته ولی از نظر معنادار بودن ضرایب نتایج نشان می‌دهد که ضرایب این متغیرها در مدل‌های رگرسیون سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۵، و ۱۳۸۰ معنادار نبوده و لی در سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ معنادار است.

می‌دهد طی سال‌های اولیه طول دوره تصدی حسابرسی (پنج سال اولیه)، حساب‌برسان به دلیل کسب شناخت بهتر از صاحبکار و محیط تجاری آن، سطح خطای سود پیش‌بینی شده مدیریت کاهش و بعد از این دوره اولیه و براساس فرضیه "استقلال حسابرس"، میزان خطای سود پیش‌بینی شده مدیریت افزایش پیدا می‌کند. نتایج این پژوهش شواهد دیگری را درباره‌ی وجود یک رابطه غیرخطی بین طول دوره تصدی حسابرسی و کیفیت حسابرسی (کیفیت گزارشگری مالی) در کنار پژوهش‌های پیشین موجود و ضرورت تغییر اجباری مؤسسه‌های حسابرسی فراهم می‌کند.

از آنجا که سازمان بورس اوراق بهادار ایران چرخش اجباری حساب‌برسان در هر چهار سال را اجباری کرده است، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دوره چرخش اجباری مؤسسه‌های حسابرسی می‌تواند به پنج سال افزایش یافته، همزمان کیفیت حسابرسی نیز افزایش یابد.<sup>۱</sup> اگرچه این پژوهش وجود رابطه بین طول دوره تصدی و سطح خطای پیش‌بینی سود را نشان می‌دهد ولی این رابطه به معنای وجود رابطه علی-معلولی بین این دو متغیر نیست. افزون‌بر این، در این پژوهش به دلیل عدم دسترسی به صورت‌های مالی شرکت‌ها برای سال‌های قبل از ۱۳۷۲، امکان تعیین دقیق طول دوره تصدی حسابرسی برای آن دسته از شرکت‌هایی که حساب‌برسان آنها قبل از این سال انتخاب شده‌اند، مقدور نبوده است. بررسی ارتباط بین طول دوره تصدی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از معیارهای دیگر مانند سطح ارقام تعهدی، نوع اظهارنظر و یا تعداد بندهای گزارش حسابرسی می‌تواند زمینه‌ای برای انجام پژوهش‌های آتی باشد. افزون‌بر این، بررسی نگرش استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی (به‌طور مثال سرمایه‌گذاران و کارگزاران) به چگونگی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی، می‌تواند موضوعی برای بررسی در پژوهش‌های آتی باشد.

## منابع

۱. رجبی، ر.، و محمدی خشویی، ج. (۱۳۸۷). هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۵(۳)، ۳۵-۵۲.
۲. مشایخ، ش.، و شاهرخی، س. (۱۳۸۶). بررسی دقت پیش‌بینی سود توسط مدیران و عوامل مؤثر بر آن. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۴ (۵۰)، ۶۵-۸۲.

۱. چندی است که مدیران و شرکای مؤسسه‌های حسابرسی بر سخت‌گیرانه بودن و کوتاه بودن حداکثر طول دوره تصدی حسابرسی تعیین شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار ایران اذعان داشته، خواستار بازنگری در آن شده‌اند.



۳. ملکیان، ا.، احمدپور، ا.، رحمانی نصرآبادی، م و دریائی، م. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر دقت سود پیش‌بینی شده توسط شرکت‌ها شواهدی از: بازار بورس و اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۷(۶۱)، ۳۳-۳۸.

۴. نونهال‌نهر، ع.، جبارزاده کنگرلوئی، س.، و پورکریم، ی. (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۷(۶۱)، ۵۵-۷۰.

5. Aboody, D., & Kasznik R. (2000). CEO stock option awards and the timing of voluntary corporate disclosure. *Journal of Accounting and Economics*, 29(1), 73-100.
6. AICPA (American Institute of Certified Public Accountants). (1992). Statement of Position Regarding Mandatory Rotation of Audit Firms of Publicly Held Companies .
7. Arel, B., R., G. Brody R.G., & Pany K. (2005). Audit firm rotation and audit quality. *The CPA Journal*, 75(1), 36-39.
8. Behn, B.K., Choi.J.H, & Kang T. (2008). Audit Quality and Properties of Analyst Earnings Forecasts. *The Accounting Review*, 83(2), 327-349.
9. Boone, J. P., Khurana I.K, and Raman K.K.(2008). Audit firm tenure and the equity risk premium. *Journal of Accounting Auditing and Finance*, 23(2), 115-140.
10. Clarkson, P.M. (2000). Auditor quality and the accuracy of management earnings forecasts. *Contemporary Accounting Research*, 17(4), 595-622.
11. Davis, R., Soo B, & Trompeter G.(2009). Auditor Tenure and the Ability to Meet or Beat Earnings Forecasts. *Contemporary Accounting Research*, 26 (2), 517-548.
12. Gul, F.A., Fung S.Y, & Jaggi B.L.(2009). Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise. *Journal of Accounting and Economics*, 47 (2), 265-287.
13. Hirts, E., Koonce L, and Vankataraman S. (2008). Management earnings forecasts: a review and framework. *Accounting Horizons*, 22(3):315-338.
14. Holthausen, R,& Watts R.(2001). The relevance of the value relevance literature for financial accounting standard settings. *Journal of Accounting and Economics*, 31(3), 3-75.
15. Lim, C-Y, and Tan H.T. (2010). Does auditor tenure improve audit quality? Moderating effects of industry specialization and fee dependence. *Contemporary Accounting Research*, 27(3), 923-957.

16. Mansi S.A., Maxwell W.F. & Miller D.P.(2004). Does auditor quality and tenure matter to investors? Evidence from the bond market. *Journal of Accounting Research*, 42 (4), 755-793.
17. Myers J.N., Myers L.A, & Omer C.T. (2003). Exploring the term of the auditor-client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation. *The Accounting Review*, 78 (3), 779-799.
18. Nagar, V., Nanda D, and Wysocki P.(2003). Discretionary accruals and stock-based incentives. *Journal of Accounting and Economics*, 34(2), 283-309.
19. Pownall, G., Wasley C, and Waymire G. (1993).The stock price effects of alternative types of management earnings forecasts. *The Accounting Review*, 68(3), 896-912.
20. U.S. General Accounting Office (GAO). (2003). *Public Accounting Firms: Required Study on the Potential effects of Mandatory Audit Firm Rotation*, Washington, D.C: Government Printing Office.

